

مناسبات عباس میرزا با کلیسای اچمیادزین با تکیه بر اسناد آرشیوی

فاطمه اورجی^۱

چکیده

کلیسای اچمیادزین به‌عنوان نخستین و مهم‌ترین کلیسای آرامنه، نقش مهمی در تحولات مذهبی، سیاسی و اجتماعی ارمنستان داشت. نقش کلیسای اچمیادزین به‌ویژه در جنگ‌های ایران و روس و جدایی ایروان از حاکمیت ایران قابل‌ملاحظه است. عباس میرزا نایب‌السلطنه برای جلوگیری از نزدیکی ایروان و به‌ویژه کلیسای اچمیادزین به روس‌ها، درصدد تحکیم مناسبات با آن برآمد تا شاید از طریق جلب و استمالت رهبران آن و برقراری پیوند نزدیک با آن‌ها، از تمایلات گریز از مرکز آنان جلوگیری کند. این نوشتار قصد آن دارد تا با روش تحقیق اسنادی-تحلیلی اسناد آرشیوی فارسی، ارمنی و روسی، روابط عباس میرزا با آرامنه و به‌ویژه کلیسای اچمیادزین را مورد بررسی قرار دهد تا از آن طریق به تلاش ایران برای حفظ پیوندهای میان خود و ارمنستان برای حفظ حاکمیت تاریخی خود بر آن سرزمین و از سوی دیگر به فعالیت‌های واگرایانه رهبران اچمیادزین که باعث جدایی ایروان از ایران و الحاق آن به روسیه شد، پی ببرد.

واژگان کلیدی: عباس میرزا، کلیسای اچمیادزین، کاتولیکوس، ایران، روسیه، ایروان.

Abbas Mirza's Relations with Etchmiadzin Cathedral Based on the Archival Documents

Fatemeh Orouji¹

Abstract

The Etchmiadzin Cathedral, as the first and most important Armenian cathedral, played an important role in the religious, political and social developments of Armenia. The role of the Etchmiadzin Cathedral is significant, especially in the Iran-Russia wars and the separation of Yerevan from Iranian rule. Abbas Mirza, the viceroy, sought to consolidate relations with the Russians in order to prevent Yerevan, and especially the Etchmiadzin Cathedral, from coming closer to the Russians, perhaps to prevent their centrifugal tendencies by attracting and entertaining its leaders and establishing close ties with them. This article intends to examine Abbas Mirza's relations with Armenians, especially the Etchmiadzin Cathedral, through documentary-analytical research of Persian, Armenian and Russian archival documents. It examines Iran's efforts in maintaining its ties with Armenia to continue its historical sovereignty over that land. This study also investigates the divergent activities of the Etchmiadzin leaders that led to Yerevan's separation from Iran and its annexation to Russia.

Keywords: Abbas Mirza, Etchmiadzin Cathedral, Catholicos, Iran, Russian, Yerevan.

مقدمه

قرارداد گلستان که در پایان جنگ‌های اول ایران و روس در ۱۸۱۳ م / ۱۲۲۸ ق به امضا رسید حدود ۱۴ ولایت از سرزمین قفقاز را از ایران جدا و به روسیه واگذار کرد. در این میان ایران توانست حاکم‌نشین‌های ایروان و نخجوان را حفظ کند. کلیسای اچمیادزین واقع در ایروان از مراکز مهم مذهبی و دینی ارمنه و ارمنستان محسوب می‌شد و در حوادث منطقه از نقش مهمی برخوردار بود. در جنگ‌های دوم ایران و روس به‌ویژه بر اهمیت و نقش کلیسای اچمیادزین و رهبران آن در تحولات منطقه افزوده شد. از این رو عباس میرزا نایب‌السلطنه سعی در برقراری مناسبات نزدیکی با آن نمود و تلاش کرد تا از آن طریق ایروان را حفظ کند.

از سوی دیگر صرف‌نظر از برخی تمایلات طرفدار روسیه در ایروان، اچمیادزین و رهبران مهم آن از قبیل کاتولیکوس خواستار تداوم پیوند با ایران و نفوذ ایران در منطقه در مقابل سلطه روسیه بر آن بودند؛ زیرا آن‌ها خواستار استقلال کلیسای اچمیادزین بودند و نمی‌خواستند همانند کلیسای گرجستان تحت سلطه کلیسای روسیه قرار گیرند و استقلال خود را از دست بدهند؛ استقلالی که همواره مورد احترام ایران بود و کاتولیکوس اچمیادزین از سوی ایران، خلیفه خطاب می‌شد.

ایرانیان هیچ‌گاه معترض استقلال اچمیادزین نبودند و هیچ‌گاه رفتار نامناسب و ناشایستی را با کلیسا انجام ندادند؛ بنابراین از جهت استقلال اچمیادزین و رهبران آن، تابعیت ایران به‌مراتب سهل‌تر و آسان‌تر از تابعیت روس بود. در واقع ارمنه نمی‌خواستند همان بلایی که بر سر کلیسای گرجستان آمده بود، بر سر کلیسای اچمیادزین نیز بیاید. آن‌ها خواستار آزادی و استقلال کلیسای خود بودند و ایران نیز خواستار حفظ ایروان از طریق کلیسای اچمیادزین بود؛ بنابراین گویی نیاز دوطرفه رهبران ایران و کلیسا را به همکاری نزدیکی با یکدیگر فرا می‌خواند.

این پژوهش قصد دارد با تکیه بر اسناد آرشیوی به بررسی روابط عباس میرزا با کلیسای اچمیادزین بپردازد و در صدد پاسخ‌گویی به این سؤالات است که تدابیر و تلاش‌های عباس میرزا برای حفظ ایروان کدام‌ها بودند؟ چرا به‌رغم مناسبات حسنه میان ایران و کلیسای

اچمیادزین، رهبران آن در صدد استقلال از ایران و الحاق به روسیه برآمدند؟ آیا ضعف مناسبات ایران در حاکم‌نشین ایروان و به‌ویژه تضعیف روابط ایران با رهبران اچمیادزین، نقشی در شکست حاکمیت ایران در ایروان و الحاق آن به روسیه داشت یا خیر؟

بخش اندکی از اسناد فارسی، ارمنی و روسی مورد استفاده در این پژوهش به زبان انگلیسی منتشر شده است^۱، و تعداد بسیاری از آن‌ها در مجموعه‌های مختلف مراکز اسناد داخل و یا خارج از ایران به‌صورت پراکنده موجود است.^۲

پیشینه پژوهش

درباره مناسبات عباس میرزا با کلیسای اچمیادزین تاکنون پژوهش مستقلی صورت نگرفته است. اغلب پژوهش‌های صورت گرفته در ارتباط با این موضوع محدود به روند جنگ‌های ایران و روس و به‌ویژه نقش عباس میرزا در آن جنگ‌ها و یا مناسبات سیاسی میان روس‌ها و ایرانیان به‌ویژه در فاصله میان جنگ اول و دوم است. در این باره می‌توان به نمونه‌هایی چند اشاره نمود. مقاله «نامه عباس میرزا به شیخعلی خان بیگلربیگی قبه و دربند» نوشته محمدمامین ریاحی درباره نامه‌ای است که عباس میرزا به شیخعلی خان بیگلربیگی قبه و دربند نوشته است و نامه لحنی حماسی دارد و هدف آن نتیجه‌گیری در زمینه‌های سیاست داخلی و برانگیختن غیرت و شهامت سرداران مخاطب و وعده دفع شر دشمن و تشویق به سعی و تلاش و غزا و جهاد و غیرت و مردانگی و قدردانی از کوشش‌های گذشته شیخعلی خان و امیدواری به جانبازیهای آینده اوست (ریاحی، ۱۳۵۳: ۱۱۲).

1. George A, Bournoutian Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889, A Documentary Record, California, Mazda, 1998.

این کتاب حاوی اسناد فارسی، ارمنی و روسی درباره قفقاز جنوبی است.

۲. آرشیو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1a، پوشه 1d؛ آرشیو ماتناداران، مجموعه ارمنی، پوشه ۵۵، پوشه ۵۸؛ آرشیو ماتناداران، پرونده نرسیس آستاراک، پرونده ۵۴، پوشه ۱۶۵، پوشه ۱۶۶، پوشه 166a؛ آرشیو ماتناداران، پرونده لازاریان، پرونده ۸۸، پوشه ۱۰۲، بخش ۳، پوشه ۱۰۴، بخش ۸، پوشه ۱۰۵، بخش ۱۳، پوشه ۱۰۶، بخش ۱۴، بخش ۱۵، پوشه ۱۱۱، بخش ۳۶؛ آرشیو ماتناداران، پرونده بریتسیاتنس، پرونده ۴۹۲، پوشه ۱۵۹. همچنین کتاب: محمدرضا نصیری، اسناد و مکاتبات تاریخی ایران، ج اول، تهران، کیهان، ۱۳۶۶؛ فاطمه قاضیه، اسناد روابط ایران و روسیه در دوره فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار، تهران، وزارت امور خارجه، چاپ اول، ۱۳۸۱.

بهرام امیراحمدیان در «جنگ‌های ایران و روسیه و جدایی قفقاز از ایران» به مناطق جداشده قفقاز از ایران بر اثر قراردادهای گلستان و ترکمانچای می‌پردازد. رویکرد این مقاله بیشتر از جهت نظامی و نبردهای ایران و روسیه در منطقه قفقاز است (امیراحمدیان، ۱۳۸۳: ۱۵۱-۱۸۴). مقاله «مقدمات جنگ دوم ایران و روسیه» نوشته ژنرال پرنس اسپر باتوف^۱ که قسمتی از سه جلد کتابی به نام زندگی پاسکویچ است و حدود دو جلد آن مربوط به روابط و جنگ‌های میان روسیه و ایران می‌باشد. این مقاله بیشتر درباره اختلاف نظر و نفرت متقابل میان عباس میرزا و یرمولوف است (باتوف، ۱۳۵۳: ۴۷-۴۹). مقاله «واکاوی آغاز دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه» نوشته مرتضی دهقان‌نژاد به تبیین علل و عوامل آغاز جنگ‌های دوم ایران و روس پس از شکست تلاش‌های دیپلماتیک عباس میرزا و دیگر رجال قاجار در بازپس‌گیری مناطق از دست‌رفته ایران بر اثر قرارداد گلستان می‌پردازد و این‌که عباس میرزا و فتحعلی شاه با جلب حمایت روحانیان و مردم در نبرد با روس‌ها از مشروعیت لازم برخوردار بودند (دهقان‌نژاد، محمودآبادی، آفازاده، ۱۳۹۰: ۳۷-۵۶).

امیر آهنگران در مقاله‌ای تحت عنوان «واکاوی علل ناکامی فتحعلی شاه قاجار در جنگ‌های ایران و روس (نبردهای قفقازیه)»، درباره چگونگی جنگ‌های ایران و روس و نقش دولت‌های اروپایی در آن و عکس‌العمل قاجارها به این مسائل می‌پردازد (آهنگران، ۱۳۸۸: ۱۰۱-۱۳۲). رحیم هویدا در مقاله «رودخانه ارس و رویدادهای تاریخی اطراف آن» تلاش عباس میرزا برای حفظ حاکمیت ایران بر اراضی و سواحل رودخانه ارس به‌ویژه قراباغ را بررسی می‌کند (هویدا، ۱۳۵۰: ۱-۲۰). همچنین در مقالات «نکاتی چند پیرامون منبع‌شناسی و جریان‌شناسی فرهنگی - تاریخی جنگ‌های ایران و روس» نوشته فرهاد زیویار (زیویار، ۱۳۷۷: ۱۶۱-۱۸۶)، «آتش در آذربایجان، جنگ‌های ایران و روس، وضع آذربایجان و علل شکست ایران» نوشته اصغر حیدری (حیدری، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۶۶)، «موافقت‌نامه گلستان: قرارداد متارکه جنگ یا عهدنامه قطعی (!؟)» نوشته غلامحسین زرگری‌نژاد (زرگری‌نژاد، ۱۳۹۰: ۷۷-۱۰۲)، و در مقالات دیگری از این دست، به بررسی روابط عباس میرزا با کلیسای اچمیادزین پرداخته نشده است.

۱. نقش کلیسای اچمیادزین^۱ در تحولات سیاسی ارمنستان و مردم ارمنی از صفویه تا ابتدای قاجار

کلیسای اچمیادزین پس از سقوط پادشاهی ارمنی کیلیکیه در ۱۳۷۵ م (۷۷۹ ق)، تنها نماینده ارمنه بود که توسط دولت‌های مسلمان به رسمیت شناخته شده بود. قرن‌ها بعد کاتولیکوس^۲ها یا بطریق‌های اعظم کلیسای ارمنی توسط برخی از اعضای مذهبی یا غیرمذهبی جوامع مهم ارمنی در امپراتوری عثمانی، روسیه، ایران و هندوستان که نفوذ قابل‌توجهی بر جمعیت ارمنی خود به دست آورده بودند، انتخاب می‌شدند. کلیسای اچمیادزین و مقام کاتولیکوسی آن به دنبال افت‌وخیزهای فراوانی که از قرن چهارم میلادی بر آن روی داد تا قرن بیستم نفوذ بسیاری در سراسر تاریخ ارمنستان و مردم ارمنی داشت. کاتولیکوس به‌عنوان رئیس کلیسا حق انتصاب اسقف‌ها را داشت، همه مراسم مذهبی کلیسایی با نظر او انجام می‌گرفت، همه احکام و فرامین کلیسایی و آئین‌نامه‌ها تحت نظر او انجام می‌یافت. کتاب‌هایی که به زبان ارمنی نوشته می‌شد بدون اجازه کلیسا امکان چاپ نداشت. کاتولیکوس از اهمیت بسیاری برخوردار بود؛ او در وحدت میان ملت و جامعه ارمنی نقش مهمی داشت. همچنین نقطه مرکزی زائران از نقاط گوناگون به ایروان بود (Bournoutian, 1992: pp71-72).

۱. Etchmiadzin. اچمیادزین به‌عنوان عمده‌ترین و اصلی‌ترین کرسی خلیفه اعظم (کاتولیکوس) ارمنه، در نزد ارمنه جهان محسوب می‌شود. نقش آن بسیار فراتر از یک کلیسای تنهاست. نقش آن در نزد ارمنه جهان همانند نقش واتیکان در جهان مسیحیت کاتولیک است. در متون ارمنه اکثراً از آن به‌عنوان «آستانه مقدس»، «مکان مقدس» یا «اچمیادزین مقدس» (Holy See) یاد می‌شود که دربرگیرنده مفهومی فراتر از کلیسای تنها است. «اچمیادزین» به ارمنی یعنی «مکانی که تنها پسر خدا در آنجا پایش را به زمین گذاشت». ایرانیان و عثمانی‌ها به آن «وچ کلیسا» (Uch-Kilisa) «سه کلیسا» می‌گفتند. که به کلیسای بزرگ اچمیادزین و دو کلیسای مجاور آن یعنی «سنت هریسمه» (St.Hripsime) و «سنت گایانه» (St.Gayane) اشاره دارد. کلیسای مقدس اچمیادزین در شهر واقارشاپت (شهر اچمیادزین امروزی) در ایروان قرار دارد. نک:

Crete, Abraham, *The Chronicle of Abraham of Crete*, Annotated Translation from the Critical Text with an international and Commentary by George A. Bournoutian, California, Mazda, 1999, p:13.

۲. Kat'oghikos. همچنین به‌صورت Katolikos یا Catholicos. بطریق اعظم کلیسای ارمنی (خلیفه اعظم ارمنه). اگرچه در قراباغ، وان و کیلیکیه در قرن هجدهم مقام کاتولیکوسی وجود داشت، اما فقط یک کاتولیکوس مهم و اصلی برای همه ارمنه وجود داشت و او در کلیسای مقدس اچمیادزین در ایروان اقامت داشت. این اصطلاح به‌صورت «کاتوگی کوس» و «کاتولیکوس» به کار می‌رود. اما اصطلاح اخیر در میان ارمنه ایران متداول‌تر است. کاتولیکوس همان «خلیفه اعظم» ارمنه است. «جائلیق» معرب این کلمه است. چون اصطلاح خلیفه و خلیفه‌گری در میان ارمنیان ایران متداول است، شاید به کار بردن «خلیفه» در اینجا مناسب‌تر باشد؛ اما اصطلاح «کاتولیکوس» نزدیک‌تر به اصطلاح ارمنی آن است، لذا ما نیز از همین اصطلاح در این مقاله استفاده کرده‌ایم. نک: Crete, Ibid, p:4.



به نوشته یک سند روسی که مربوط به وزارت امور خارجه روسیه در تفلیس است، موقعیت کلیسای اچمیادزین چنان ایجاب می‌کرد که به‌خاطر منافع مردمش، کاتولیکوس یا رئیس کلیسای ارمنی، به‌دقت میان ستمگرانی که جمعیتش را در محاصره گرفته بودند به مانورهای سیاسی دست بزند (Akty, I, document 657, p: 50).

پادشاهان ایران برای استفاده از همکاری ارمنه و موفقیت تجارت ارمنی، امتیازات متعددی به کلیسا اهدا کردند. برای مثال امتیاز جمع‌آوری مالیات‌های رعایای ارمنی ایران را به کاتولیکوس واگذار نمودند و هنگامی که خان‌های محلی تصمیم به ربودن این امتیازات گرفتند، شاه صفی (۱۶۲۹-۱۶۴۳ م/۱۰۳۸-۱۰۵۳ ق) طی فرمانی که در سال ۱۶۳۸ م (۱۰۴۸ ق) صادر نمود، مقرر داشت که کاتولیکوس قدرت عالی بر مردمش و وضع مالیاتها و جمع‌آوری آنها را به عهده داشته باشد (آرشیو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1a، اسناد: ۴۹،۶۰).

فرمانروایان بعدی صفویه از جمله شاه عباس دوم (۱۶۴۳-۱۶۶۷ م/۱۰۵۳-۱۰۷۸ ق) و شاه طهماسب دوم (۱۷۲۲-۱۷۳۲ م/۱۱۳۵-۱۱۴۵ ق) با واگذار کردن اقتدار مذهبی و غیر مذهبی جوامع ارمنی به کاتولیکوس، نه فقط در ارمنستان شرقی، همپنین در آذربایجان، جنوب ایران، منطقه خزر و قسمت‌های شرقی قفقاز جنوبی، به عظمت و اقتدار کلیسای اچمیادزین افزودند (آرشیو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1a، سند: ۵۷؛ پوشه 2a، سند: 34a).

کاتولیکوس حتی قادر بود از فعالیت مبلغان مذهبی کاتولیک در ارمنستان شرقی جلوگیری کند. آنها به منظور تسهیل نظارت بر امور ارمنه، اجازه مسافرت آزادانه در قلمروهای ایران را بدون پرداخت عوارض جاده‌ای به دست آوردند (آرشیو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1a، سند: ۷۹).

1. Akty, I, document 657, cited in Bournoutian, George, *Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889: A Documentary Record*. Costa Mesa, CA. Mazda Press, 1998, pp. 47-53.

اصل این سند روسی است. گزارشی است از وزارت امور خارجه روسیه در تفلیس به دولت روسیه درباره وضعیت داخلی قسمت‌های شرقی ترکیه، ایروان، نخجوان، خوی، گنجه، قراباغ و اوضاع داخلی ایران. این سند جزو «اسناد حکومت روسی قفقاز: اقدامات هیئت باستان‌شناسی قفقاز، ۱۲ جلد (تفلیس، ۱۸۶۶-۱۹۰۴)، ج اول، سند شماره ۲۵، صص ۱۱۱-۱۲۴، همچنین در تقویم کاولاسکی ۱۸۶۴ (تفلیس، ۱۸۶۳) صص ۱۸۳-۲۱۲» قرار دارد.

اگرچه کلیسای اچمیادزین در قرن هجدهم موقعیت شایان توجه و ثروت بی شماری به دست آورد و بیشترین سرمایه آن هم بر روی زمین متمرکز بود، ولی بی‌ثباتی صفویان که منجر به اشغال اصفهان و سقوط آن توسط افغان‌ها شد، اچمیادزین را از لحاظ سیاسی و اقتصادی دچار ضعف نمود. نادرشاه (۱۷۳۰- ۱۷۴۸م/۱۱۴۲-۱۱۶۰ق) با صدور فرامین بسیاری، ارامنه را از پرداخت مالیات سرانه معاف کرد؛ اما وضعیت اقتصادی کلیسا با در هم گسیختن اوقاف آن به تحلیل رفت. در دوره نادر شاهد روابط نزدیک او با اچمیادزین و به‌ویژه با کاتولیکوس آن، آبراهام کرتی، هستیم که این امر منجر به بخشودگی‌های بسیاری از سوی نادر و حکام او به کلیسا گردید. (Orouji, 2013: pp: 257-259 در دوره زندیه (۱۷۵۷-۱۷۷۹ م/۱۱۷۱-۱۱۹۳ ق) به‌منظور توانا ساختن کلیسا برای اعاده قدرت آن، فرامین و احکام گوناگونی صادر شد. (آرشیو ماتنادارن، اسناد فارسی، ۲۰۰۸، ج ۴، اسناد: ۴۸، ۴۹، ۵۱)

سیمون ایروانی^۱ (۱۷۶۳- ۱۷۸۰ م / ۱۱۷۷-۱۱۸۴ ق) بزرگ‌ترین خلیفه پرتکاپوی دوره جدید، در همان دوره زندیه به تخت اچمیادزین رسید. او موفق شد همه زمین‌های کلیسا را تحت کنترل درآورد، همچنین یک کالج مذهبی، یک ماشین چاپ و یک آسیاب کاغذساز در کلیسا ایجاد نمود و تقویم مراسم دعا و نماز را اصلاح کرد. او توانست دارایی‌های کلیسا را به آن بازگرداند و در پایان دوره اش، اچمیادزین نه‌تنها بیشترین زمین‌هایی که از قبل در اختیار خود داشت را به دست آورد، بلکه دارایی جدیدی را هم به دست آورده بود. جانشین سیمون، گوگاس گارنی^۲ (۱۷۹۹- ۱۷۸۰ م / ۱۱۸۴-۱۲۱۳ق) یک شورای دائمی اسقف‌ها را برای کمک به کاتولیکوس شکل داد، بنابراین به‌طور غیرمستقیم بخشی از قدرتش را در سرتاسر سلسله‌مراتب کلیسایی و مشارکت به خیزش حزبی توزیع نمود. مرگش در پایان قرن مصادف بود با آغاز مداخله فعال ایران و روسیه در مسائل اچمیادزین (Bournoutian, 1992, pp:74-75).

۱. Simeon Erevantsi. از بزرگ‌ترین کاتولیکوس‌های اچمیادزین به شمار می‌رود. او کتاب بسیار مهمی دارد تحت عنوان: Erevan Simeon, *Jamber*, Introduction and Annotated Translation by George A. Bournoutian, California, Costa Mesa, 2009.

سیمون ایروانی در این کتاب تمام مدارک و اسناد پادشاهان ایران از دوره آق‌قویونلو تا دوره کریم خان زند را آورده است.

2. Ghukas of Garni



به این ترتیب مشاهده می‌شود که فرمانروایان ایران نه تنها استقلال کلیسای اچمیادزین را محترم شمرده و در امور داخلی آن دخالت نمی‌کردند، بلکه با صدور فرامین متعدد بر اهمیت، اعتبار و امنیت و دارایی آن نیز می‌افزودند. این مسئله حتی در نامه‌ای که توسط نرسس آشتاراک - روحانی ارمنی هوادار روسیه و مخالف حضور ایران در ایروان - در سال ۱۸۲۳ م (۱۲۳۸ ق) به عباس میرزا نوشته شد، صراحتاً به آن اشاره می‌شود (HASE, pp:231-239). بنابراین بیهوده نبود که در قرن نوزدهم به دنبال مجادلات ایران و روسیه در منطقه قفقاز و در راستای تلاش روس‌ها جهت دستیابی به ایروان، کلیسای اچمیادزین به عنوان یکی از مهم‌ترین کانون این دستیابی، برای هر دو طرف روس و ایران مطرح بود و عباس میرزا به خوبی به این اهمیت و ارزش کلیسا و رهبران آن واقف بود و سعی در تحکیم مناسبات با آن‌ها بود تا مگر به آن وسیله مانع از دستیابی روسیه به ایروان شود.

۲. روابط ایران با کلیسای اچمیادزین از ابتدای قاجار تا پایان جنگ‌های اول ایران و روس

تا نخستین جنگ ایران و روس، کانون‌های اصلی روسیه برای جلب همکاری ارمنه، منطقه حاکم‌نشین‌های ارمنی بود که اقدامات رهبران ارمنی در این زمینه می‌توانست زمینه‌های تسلط روسیه را در منطقه فراهم نماید. چراکه رهبران ارمنی از سالیان درازی به دنبال اتحاد روس و ارمنی بودند. با این حال پس از ۱۸۰۵ م (۱۲۲۰ ق) با ضمیمه گنجه و قراباغ، توجه روس صرف نفوذ بر کلیسای مقدس اچمیادزین شد که در حاکم‌نشین ایروان واقع بود. در این تلاش‌ها شماری از ارمنه برجسته گرجستان، قراباغ و گنجه با ایشان به همکاری پرداختند. اگرچه روسیه تا پایان جنگ‌های نخست با ایران، در تلاش سلطه بر ایروان و نخجوان بود، اما در به دست آوردن آن‌ها موفق نشد و ایران تا پایان جنگ‌های

2. HASE, *Hamarotut' iwn ants' itsKristosakert Mary Ar'oroy Hayots' surb Ejmiatsni (A Short Documentary Account of Holy Etchmiadzin, Mother Church of the Armenians, as recorded by catholicos Nerses of Ashtarak), Thilis, 1853, cited in Bournoutian, George, Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889: A Documentary Record. Costa Mesa, CA. Mazda Press, 1998, pp. 231-239.*

اصل این سند به زبان ارمنی بوده و از اسناد کتاب تاریخ مختصر آستانه مقدس ارمنه، اچمیادزین به قلم کاتولیکوس نرسس آشتاراک، چاپ تفلیس، ۱۸۵۳ م است. نامه‌ای است که نرسس آشتاراک، اسقف کلیسای اچمیادزین، در سال ۱۸۲۳ م به عباس میرزا نوشته است.

نخست، روس‌ها را در ایروان و نخجوان شکست داده و از آن مناطق بیرون راند (نک: دنیلی، ۱۳۸۳: ۲۹۲-۲۹۶).

روسیه به اتحادی قاطع با بطریق اعظم، به نقشه خود برای تسلط بر قفقاز جنوبی که وارد کشکمش با ایران در آن منطقه شده بود، توجه داشت. همچنین ایران به دنبال جلب همکاری کلیسا بود. انتخاب یک کاتولیکوس جدید در سال ۱۷۹۹م (۱۲۱۴ق) فرصتی را برای هر دو قدرت ایران و روس برای پشتیبانی از کاندیداهایی که به دنبال مصالح کلیسا و آرامنه بودند، آماده کرد. در فرایند انتخاب پنج کاندیدا معرفی شدند: اسقف اعظم میناس^۱ که به دنبال ضعف بینایی سلب صلاحیت شد. اسقف اعظم دانیل سورماری^۲ که اخیراً به‌عنوان بطریق ارمنی قسطنطنیه انتخاب شده بود. اسقف‌های اعظم پیرم تسوراقتسی^۳، دیویدگورکانیان انگاتسی^۴ و یوسف آرگوتسکی^۵. پیرم از سوی فرقه محافظه‌کار مجمعی که به یک کلیسای بی‌دردسر توجه داشت، پشتیبانی می‌شد. دیوید مورد توجه خان ایرانی ایروان بود، یوسف که از خانواده طرفدار درازمدت روس بود توسط روس‌ها پشتیبانی می‌شد (Bournoutian, 1992, pp: 75,76).

هرکدام از حامیان کاندیداها سعی نمودند از نفوذ خود استفاده کرده و کاندیدای موردنظرشان را به مقام کاتولیکوسی برسانند. ابتدا دانیل به‌عنوان مقام کاتولیکوسی پیشنهاد شد که آشکارا خوشایند شاخه محافظه‌کار کلیسا بود؛ تا آنجا که برای اعلان این تصمیم و رأی به دانیل، یک هیئت نمایندگی نیز به قسطنطنیه اعزام شد؛ اما هم روس‌ها به حمایتشان از یوسف ادامه دادند و هم ایرانیان به تحریک دیوید پرداختند. اسقف نرسس آشتاراکی به دلیل آنکه موافق و طرفدار روسیه بود، توانست به کمک روس‌ها دانیل را وادار به رد پذیرش مقام کاتولیکوسی نماید و در سال ۱۸۰۰م (۱۲۱۴ق) دانیل تسلیم فشارها شده، تصمیم به عقب نشینی گرفت. درست مقارن با زمانی که ایران شروع به خروج از بی‌نظمی داخلی می‌نمود، یوسف به پشتیبانی روس به کاتولیکوسی انتخاب شد (Ibid: pp: 76-77).

1. Minas
2. Daniel Surmari
3. Ephrem Tsoragehtsi
4. David Gurghanian Enegatsi
5. Iosif Argutinski

اما یوسف قبل از رسیدن به اچمیادزین، در تفلیس بیمار شد و در سال ۱۸۰۱م (۱۲۱۵ق) از دنیا رفت. بار دیگر کلیسا در میان فشارهای بزرگ داخلی و خارجی مجبور به انتخاب یک رهبر جدید شد. محمدحسین خان ایروانی حاکم ایران در ایروان، تلاش بسیاری به خرج داد تا دیوید به مقام کاتولیکوسی انتخاب گردد و به این ترتیب دیوید با حمایت ایران به مقام کاتولیکوسی دست یافت (Ibid: p77).

اکثریت رهبران غیرروحانی و روحانی ارمنی به این انتخاب اعتراض شدید کردند، اما روس‌ها با تصدیق به کودتای ایران امید داشتند که دیوید را به سوی خود کشانده و مطابق با منافع خود در منطقه نمایند. همچنین خانواده با نفوذ ارمنی - روسی لازارو، امید داشتند که دیوید ممکن است از نقشه‌های روسیه در منطقه حمایت نماید. دیوید نزدیک به پنج سال درآمد کلیسا را به اسراف خرج کرد و اکثریت حامیان ارمنی‌اش او را رها کردند. برخی از خان‌های ایروان از موقعیت کاتولیکوس سوءاستفاده کرده و اموال کلیسا را غصب نمودند (Ibid, p: 77,78).

جدال و ستیزه بر سر مقام کاتولیکوسی باعث ایجاد شکاف در جامعه ارمنی شد و کلیسا از نظر سیاسی و اقتصادی ضعیف شد. در سال ۱۸۰۴م (۱۲۱۹ق) روسیه از این مسئله برای توجیه هجوم به ایروان استفاده نمود. با تعیین حسین‌قلی خان به حکمرانی ایروان در سال ۱۸۰۷م (۱۲۲۲ق) روزهای کاتولیکوسی دیوید به شمارش افتاد و دیوید خود به نفع دانیل از مقام کاتولیکوسی کناره کشید (HASE, pp: 231-239).

با تهدید دائمی روسیه در منطقه قفقاز و موقعیت روسیه به عنوان مدافع مسیحیان در منطقه، اکنون ایران نقش بسیار فعالی را در مسائل آرامنه دنبال نمود. سیاست اولیه قاجار درباره قفقاز، باعث بیگانگی بسیاری از آرامنه از ایران شده بود. حمایت ایران از مقام کاتولیکوسی دیوید، وضع مالیات سنگین و دیگر اقدامات تبعیض آمیز، تمایلات روسی آرامنه قره‌باغ و گنجه را طی سال‌های نخست جنگ‌های اول ایران و روس تقویت کرده بود (آرشیو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی، پوشه ۱۵، سند: ۵). برخی خانه‌هایشان را ترک کرده، برخی به سیسیانف هنگام پیشروی‌اش به ایروان در سال ۱۸۰۴م (۱۲۱۹ق) و به محض عقب نشینی‌اش، کمک کردند (آرشیو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی،

پوشه ۱۵، سند: ۷۴)^۱.

عباس میرزا اهمیت یک جمعیت ارمنی موافق و علاقه مند را در این منطقه که به‌عنوان کمربند جنگ محسوب می‌شد، درک کرده بود. او با کمک خان جدید ایروان - حسین قلی خان - بیشتر خطاکاری و اشتباهات نخستین ایران را جبران کرد و در زمانی بسیار کوتاه موفق شد دوباره تا حدودی اعتماد ارمنه را به دست بیاورد.^۲ پشتیبانی ارمنه از ایران در این هنگام در طی هجوم روسیه به ایروان توسط فرمانده گوداویچ در سال ۱۸۰۸م (۱۲۲۳ق) نشان داده شد، هنگامی که هیچ نشانی از حمایت و پشتیبانی ارمنی برای روس‌ها وجود نداشت (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج اول: ۲۸۵-۲۸۹).

کاتولیکوس دانیل در سال ۱۸۰۸م (۱۲۲۳ق) از دنیا رفت. دیوید همچنان برای دستیابی دوباره به مقام کلیسا توطئه کرد؛ اما پیرم برای مقام کاتولیکوسی رأی آورد. پیرم اگرچه قبلاً اسقف اعظم ارمنه در روسیه بود، اما قبل از آن بی‌طرفی سیاسی‌اش را اثبات کرده بود و پس از تقدیس و منصوب شدن به کاتولیکوسی، از همه قدرت‌ها درخواست کرد که در مسائل کلیسا دخالت نکنند. پیرم به‌زودی شرایط مصیبت‌بار و مهلک اقتصادی کلیسای اچمیادزین را دریافت. پس از مرگ گوکاس بدهی‌های بسیاری گرد آمده بود. به‌ویژه دوره فترتی که با سوء اداره و مدیریت دیوید توأم بود؛ و دوره کوتاه دنیل، دارایی‌های کلیسا بیشتر تهی شده بود. بدهی اچمیادزین به اشخاص مختلف، از جمله بازرگانان و مقامات، نزدیک به ۵۰,۰۰۰ تومان بود که برابر بود با تمام مالیات سالیانه یک ایالت کوچک. اگرچه کلیسا مبالغی اعانات حدود ۲۵,۰۰۰ تومان سالیانه از جوامع ارمنی روسیه، عثمانی، اروپا، ایران و هند دریافت می‌کرد، اما مجبور بود بیشتر آن را برای پرداخت نرخ‌های بهره گزاف بدهی‌های به‌جای‌مانده از اداره گذشته هزینه نماید. در این میان درآمدهایی نیز از مستغلات خود داشت که حدود یکصد باب مغازه منضم به بازار اچمیادزین بود و همچنین ده‌یک (عشر) که توسط ارمنه قفقاز جنوبی پرداخت می‌شد. در این شرایط پیرم با پشتیبانی و حمایت دولت ایران دست به اصلاحات وسیع اقتصادی زد (Bournoutian, 1992, pp:79,80).

۱. درباره گرایش‌های طرفدار روسیه در ارمنه قره‌باغ و گنجه طی سال‌های نخست جنگ‌های اول ایران و روس نک: میرزا فضل‌الله شیرازی متخلص به خاوری، تاریخ ذوالقرنین، ج اول، به تصحیح و تحقیق ناصر افشارفر، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰، صص ۱۹۳-۲۱۱.
۲. درباره اقدامات عباس میرزا در این باره به کمک خان جدید ایروان رک: خاوری شیرازی، ج اول، ص ۲۶۴.

۳. تلاش‌های عباس میرزا برای تداوم تحکیم مناسبات با کلیسای اچمیادزین از ۱۸۰۸م (۱۲۲۳ ق) تا پایان جنگ‌های نخست ایران و روس (۱۸۱۳ م / ۱۲۲۸ ق)

همکاری و نزدیکی کلیسای اچمیادزین با ایران باعث خشنودی عباس میرزا و حسین خان شد که به آن امتیازات وسیع اعطا کرده بودند. گذشته از دارا بودن حقوق سنتی نظیر آزادی اجرای مراسمی مانند ازدواج، جشن‌های مذهبی و به صدا درآوردن ناقوس کلیسا، کشیشان ارمنی بار دیگر اجازه یافتند تا آزادانه بدون پرداخت عوارض راه به قفقاز جنوبی مسافرت کنند (استاد ماتناداران، *آرشیو فارسی*، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1d، سند: ۵۸۰).

با موقوفات ارمنی با همان احترام موقوفات مسلمین رفتار شد. کلیسا به تدریج بدهی‌هایش را پرداخت نمود، طلبکاران به همکاری و سازش و مدارا با کلیسا هدایت شدند، نرخ‌های بهره کاهش یافت و کسانی که ارامنه را آزار و اذیت کرده و به ستوه می‌آوردند توبیخ و تنبیه شدند.^۱ در واقع میان سال‌های ۱۸۰۹ و ۱۸۱۲ م (۱۲۲۴ و ۱۲۲۷ ق) عباس میرزا و حسین‌قلی خان به سلسله سران شیوخ کلیسا در تأسیس و ترتیب سازمان‌دهی و اصلاح مسائل اقتصادی کمک کردند. مقاماتی که در تلاش به اخذ پول از روحانیان مذهبی بودند، یا تنبیه شدند، یا از مقام خود عزل شدند (آرشیو ماتناداران، *اسناد فارسی*، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1a، سند: ۶۱۴).

کاتولیکوس پیروم رابطه‌ای توأم با احترام با عباس میرزا و حسین خان برقرار کرد و آن‌ها نیز هر دو با ارسال هدایا، خلعت و ردا و نامه‌هایی به وی پاسخ گفته و جلوس او را به مقام خلیفه ملت ارمنی تبریک گفتند (آرشیو ماتناداران، *اسناد فارسی*، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1a، اسناد: ۶۱۵، ۶۱۶). بر اساس اسناد موجود از همان زمان، عباس میرزا اقدامات و توجهات مخصوصی درباره اچمیادزین انجام داد. این مسئله به‌ویژه از زمانی که پیروم به مقام

۱. برای مثال در سال ۱۸۰۱ م هنگامی که حیدرعلی بیگ به دارایی کلیسا در دهکده اوشاکان تجاوز و تخطی کرد، خان فوراً دستور داد که او در جمع‌آوری مالیات مداخله نکند و هر چه که در آنجا گرد آورده بود را باز گرداند. رک: استاد ماتناداران، *آرشیو فارسی*، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1e، سند: ۶۱۳.

کاتولیکوسی رسید افزایش یافت. جالب توجه است که این اقدامات حتی مورد تصدیق و تأیید نرسس آشتاراکی که هوادار روسیه و مخالف حضور ایران در ایروان بود، نیز قرار گرفت. اقدامات عباس میرزا شامل این موارد بودند: اعطای معافیت به اچمیادزین از همه مالیات و خدمات، پرداخت سالیانه ۴۰۰ تومان به اچمیادزین؛ فرامین ویژه عباس میرزا به حسین‌قلی خان سردار ایروان در باب توجه مخصوص به اچمیادزین، ممانعت از هرگونه تجاوز و تخطی حتی پرندگان به قلمرو اچمیادزین و امیدوار نمودن ارامنه و اچمیادزین به حمایت و پشتیبانی ایران (HASE, pp:231-239).

یک دلالت آشکار از مناسبات ایرانی - ارمنی سندی است از سال ۱۸۱۱م (۱۲۲۶ق) که روند دادگاه شریعت را میان کلیسای ارمنی به‌عنوان مدعی و یک صاحب منصب ایرانی به‌عنوان مدافع درباره ادعای دارایی خاصی در واقارشاپت^۱ توصیف می‌کند. دادگاه مذهبی مسلمان علیه هم‌مذهبان‌ش رأی داد و به‌این‌ترتیب ارامنه داوری مطلوبی را دریافت کردند. به‌رحال برخی از شواهد و مدارک برجسته حاکی از وجود جوّ مساعد و مطلوب میان کلیسای اچمیادزین و ایران است (آرشو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1a، سند: ۶۲۴).^۲

عباس میرزا توجه ویژه‌ای به رعایای ارمنی‌اش نشان می‌داد و در این راستا مدتی پس از عقب‌نشینی روسیه از ایروان، او به اچمیادزین رفت و شمشیرش را توسط کاتولیکوس پیرم تبرک نمود. او به پیرم و نرسس آشتاراکی که به‌عنوان معاون کاتولیکوس انتخاب شده بود، قول داد که همه فرامین و امتیازاتی که به زمان صفویان بازمی‌گشت را محترم شمرده و خود شخصاً ارامنه را از هر نوع تعدی و تجاوزی مصون دارد (Bournoutian, 1992, p:81).

با وجود این، چندی از اسناد و شکایات توسط ارامنه موجود است که به‌روشنی نشان می‌دهد که ستیزه‌های قانونی وجود داشت؛ و این که همه آن‌ها با فرامین و احکام مطلوب و

۱. منطقه ای که کلیسای اچمیادزین در آن قرار گرفته به واقارشاپت معروف است.

۲. همچنین رک اسناد:

HASE & Matenadaran Archives, cited in Bournoutian, George, *Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889: A Documentary Record*. Costa Mesa, CA. Mazda Press, 1998, document 164.

این اسناد حاکی از توجه مخصوص عباس میرزا و دل‌سوزی او نسبت به اچمیادزین و ارامنه است.

مساعدی برای ارامنه پایان نیافت. در واقع برخی ادعاهای ارضی طولانی‌مدت ارمنی مورد احترام و توجه نبودند. اختلافات و عداوت‌های قدیمی همچنان به موجودیت خود ادامه داد و ارامنه بسیاری همچنان روسیه را به‌عنوان ناجی نهایی در نظر گرفتند.^۱

۴. ضعف مناسبات ایران با کلیسای اچمیادزین از پایان جنگ‌های نخست ایران و روس (۱۸۱۳م/۱۲۲۸ق) تا قرارداد ترکمانچای (۱۸۲۸م/۱۲۴۳ق)

شکست ایران در جنگ اول ایران و روس، باعث ایجاد تدریجی سردی مناسبات میان اچمیادزین و ارامنه و دولت ایران شد. رهبران مشخص نظامی مانند حسن خان، برادر ستیزه جوی حسین خان، به‌ویژه برای خسارات ایران در جنگ به سرزنش و مقصر دانستن ارامنه پرداختند.^۲ اکنون هم عباس میرزا و هم حسین خان دریافتند که کاتولیکوس و برخی از رهبران غیردینی ارمنی ایروان، تماماً کنترل همه جمعیت ارمنی قفقاز جنوبی را نداشته و این که آن‌ها می‌باید همچنین سنگینی و اهمیت دوستی‌شان با رهبران را حساب نمایند. پشتیبانی فعال ارمنی از روس‌ها در قره‌باغ و گنجه و در گرجستان، نمی‌توانست با بی‌طرفی ارمنی در ایروان یکی دانسته شود (Bournoutian, 1992, pp: 81, 82)

وضعیت هنگامی بدتر شد که اسقف نرسس آشتاراکی که قبلاً با احتیاط حامی و طرفدار روس بود، در سال ۱۸۱۴م (۱۲۲۹ق) اچمیادزین را به مقصد تفلیس ترک کرد؛ جایی که او اکنون علناً طرفدار فتح روسیه در باقی‌مانده ارمنستان شرقی عمل نمود. نرسس نه‌تنها با

۱. در این باره نگاه کنید به نامه‌ای که نرسس آشتاراکی در سال ۱۸۲۳ به عباس میرزا نوشته است. نرسس در این نامه سرداران ایران را در ایروان متهم به اخادی از ارامنه با جزئیات دستبرد آن‌ها به کلیسای اچمیادزین می‌کند و در این رابطه به مشکلات کاتولیکوس و انجمن برادری اچمیادزین اشاره می‌نماید. رک: HASE, pp: 231-239.

۲. در نامه نرسس آشتاراکی به عباس میرزا به اقدامات حسین خان سردار ایروان و برادرش حسن خان در این دوران در ایروان اشاره شده است. از جمله او نكوهش می‌کند به آزار و اذیت ارامنه، ایجاد فشارهای مالیاتی و... از سوی آن‌ها درباره ارامنه. نرسس در اینجا بیان می‌کند که پس از مرگ کاتولیکوس دانیل و عقب‌نشینی نیروهای روسی، حسین خان بیشتر از ۱,۰۰۰ تومان از کلیسا دریافت کرد و برادرش حسن خان تعدادی از مباحثان را منصوب کرد و کشیشی را برای خدمت به خود تقاضا نمود و این کشیش با پرداخت ۵۰۰ تومان فدیة آزاد شد. به‌علاوه او شکایت می‌کند از این که سرداران ایران در ایروان همه گندم و جو آن‌ها را با قول بازگرداندن آن پس از عقب‌نشینی روس‌ها گرفتند؛ اما آن‌ها تنها یک نجم را بازگرداندند و لذا از این بابت آسیب‌های فراوانی به ارامنه و کلیسای اچمیادزین وارد شد. رک: HASE, pp: 231-239.

لازاروس - خانواده با نفوذ ارمنی، روسی - بلکه با مقامات مهم روسی هم در تماس بود.^۱ مناسبات دوستی کم‌رنگ میان رهبران ارمنی و ایرانی، کلیسا را بدون قیومیت و سرپرستی رها کرد و برخی از رهبران مسلمان را به گرفتن امتیاز از شکاف پیش‌آمده هدایت نمود. اسناد و گزارش‌ها حاکی از آن است که حسین خان سردار درباره بدهی‌ها و مناقشات دارایی در طی این دوره مدارای کمتری داشت (آرشو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1e، اسناد: ۶۷۳، ۶۷۴. همچنین رک: HASE, pp:231-239).^۲

کاملاً پیداست که ایران در سیاست خود نسبت به ارامنه تغییری ایجاد نمود و این تغییر رویکرد ایران نسبت به ارامنه را باید در سیاست همکاری ارامنه قره‌باغ، گنجه و گرجستان با روس‌ها دید؛ اما علی‌رغم همه این مسائل و با وجود تغییر رفتار حاکمان ایران در ایروان نسبت به ارامنه، عباس میرزا سعی در تداوم تحکیم مناسبات ایران با اچمیادزین و رهبران آن داشت؛ و در تلاش بود تا با انجام اصلاحات و رسیدگی به مشکلات ارامنه، کدورت‌های موجود را مرتفع کند. او به این وسیله می‌خواست پیوستگی ایروان را با ایران حفظ کند و مانع از سلطه روس‌ها در آنجا شود.^۳

خسارات و از دست دادن مناطق قفقاز پس از توافق گلستان (۱۸۱۳م / ۱۲۲۸ق)، برخی از مقامات ایرانی را به خروش درآورد که ممکن است روسیه سرانجام همه قفقاز جنوبی را فتح کند. اگرچه پیرم و رهبر غیرمذهبی ارمنی، ملیک ساهاک آقا مال ایروانی، به حکومت

۱. رک: آرشو ماتناداران، پرونده نرسس آشتاراک، پرونده ۵۴، پوشه 164a، اوراق ۷-۸؛ پوشه ۱۶۵، اسناد: ۱۸۱، ۳۶۷، ۳۷۷، ۱۰۰۲. به نقل از: Bourmoutian, 82 p, 1992. همچنین درباره ترک اچمیادزین توسط نرسس آشتاراک و رفتن او به تقلیس نک: document 164 *Matenadaran Archives*.

۲. در این سند نرسس، حسین خان سردار و مأموران او را به آزار و اذیت و تجاوز و تخطی به کلیسای اچمیادزین و مردم ارمنی و تخطی از دستورات عباس میرزا نسبت به رعایای ارمنی و اچمیادزین متهم می‌کند. نرسس در این باره به مواردی اشاره می‌نماید از جمله: تصرف روستای آشتاراک و اغوارد از سوی حسین قلی خان که به اچمیادزین تعلق داشت، ختنه کردن یک پسر مسیحی علی‌رغم میلش به دستور حسین قلی خان سردار، ستاندن پول از دهکده‌های متعلق به اچمیادزین که معاف از مالیات بودند، اجبار روستاییان به بیگاری، ستاندن اموال فراوان از ارامنه و اچمیادزین و...

۳. در این باره رک: *Matenadaran Archives*, document 164, pp:239-245. این سند حاکی از توجه مخصوص و علاقه و دل‌سوزی آشکار عباس میرزا نسبت به ارامنه است. عباس میرزا به نماینده نرسس بیان می‌کند که سیاست‌های سخت‌گیرانه و اعمال فشار و دریافت بدهی از ارامنه و کلیسای اچمیادزین که از سوی برخی از حاکمان ایران بر ارامنه اعمال می‌شد مورد توافق او نبوده و او در صدد سرکوب همه سیاست‌های تبعیض‌آمیز و فشار بر اچمیادزین و ارامنه بوده و هست و همچنین در صدد برقراری مناسبات محکم و دوستی نزدیک با اچمیادزین و ارامنه است.

ایران وفادار باقی ماندند؛ اما اعمال سایر ارامنه به‌ویژه نرسس، بهانه‌ای برای تحت فشار گذاشتن مردم ارمنی به دست عده‌ای از مقامات ایرانی داد (آرشیو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1a، اسناد: ۶۶۸، ۶۷۰). برخی از مقامات ایرانی در ایروان سعی در انتقال دارایی منقول ارامنه به ایران نمودند و ارامنه را برای پرداخت بدهی‌هایشان تحت فشار گذاشتند و در برخی موارد از آن‌ها اخاذی نمودند. همین مسائل باعث شد که کلیسا در طی سال‌های اندکی پس از آن برخی از مستغلات و املاک خود را از دست بدهد.^۱ نباید از دیده به دور داشت که عباس میرزا سعی در توقف این اقدامات داشت.^۲ اما باید توجه داشت که در این میان تمایلات آشکار ارامنه نیز به سمت روسیه بود.^۳

هم‌زمان با کاهش اموال و مستغلات کلیسا، طلبکاران بر در صومعه تجمع کردند و کاتولیکوس مجبور به فروش غیرقانونی شد، یا از راه‌های دیگر از دارایی وقفی چشم‌پوشی نمود. یک بررسی از دارایی کلیسا در سال ۱۸۲۱م (۱۲۳۶ق) نشان می‌دهد که دارایی کلیسا به طور اساسی در این زمان کمتر از آنچه که در زمان سیمئون در اختیار داشت، بود. اگرچه این اذیت و آزار طولانی‌مدت نبود، اما سهل‌انگاری و بی‌علاقگی حسین خان به ارامنه، شماری از حامیان ارمنی‌اش را مخالف و دشمن نمود؛ تعدادی از آن‌هایی که بعدها به روس‌ها خوشامد گفتند. این امر به‌طور مسلم در تقابل با بی‌طرفی عمومی‌ای بود که ارامنه در سال ۱۸۰۸م (۱۲۲۳ق) نسبت به روس‌ها نشان داده بودند (Bournoutian, 1992, p: 83) ارامنه در سال‌های ۱۸۰۳-۱۸۰۵م (۱۲۱۸-۱۲۲۰ق) در لشکرکشی روسیه به قفقازیه و لشکرکشی گداویچ به ایروان، با روس‌ها همکاری نکرده و در مقابل در طرف ایران قرار گرفته بودند (خاوری شیرازی، ۱۳۸۰، ج اول: ۲۸۵-۲۸۹؛ هدایت، ج ۹: ۴۴۷-۴۵۱).

۱. نک: HASE, pp: 231-239. در این سند آمده است که نرسس به عباس میرزا درباره آزار و اذیت سرداران و خان‌های ایران در ایروان و کلیسای اچمیادزین شکایت می‌کند که از این طریق اموال و دارایی اچمیادزین کاهش یافته است.

۲. در این زمینه سندی ارمنی است از مجموعه آرشیو ماتناداران که حکایت از تلاش عباس میرزا مبنی بر توقف این اقدامات دارد. رک: *Matenadaran Archives*, document 164.

۳. در این باره گفتنی است که در یکی از منابع آن دهه که کار نرسس آشتاراکلی - هواخواه روسیه و مخالف ایران - است، به‌صراحت دلسوزی و همدلی نرسس و سایر ارامنه هم‌فکر او با روسیه و سیاست‌های آن در منطقه قفقاز و در مقابل مخالفت آن‌ها با ایرانیان نشان داده می‌شود. این منبع شامل برخی مشاهدات بی‌همتا در این موارد است. نک: آرشیو ماتناداران، پرونده نرسس آشتاراکلی، پرونده ۵۴، پوشه ۱۶۵، سند: ۳۶۸، پوشه ۱۶۶، اسناد: ۶۰۲-۶۰۵، ۶۰۹، ۶۴۸ و شماره‌های دیگر از همین مجموعه. به نقل از: Bournoutian, 1992, pp: 82, 83.

در سال ۱۸۲۰م (۱۲۳۵ق) فتحعلی شاه و عباس میرزا برای حفظ دوستی رهبران ارمنی ایروان نسبت به ایران، به نصیحت مقامات ایروان پرداختند. در یک سند به تاریخ ۱۸۲۱م (۱۲۳۶ق) فتحعلی شاه به عباس میرزا دستور لغو بدهی‌های کلیسا و ممنوعیت طلبکارانش از ادعای دارایی وقفی را داد (آرشیو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1e، سند: ۶۹۵)؛ و عباس میرزا نیز به حسین خان دستورهای اکیدی را در این باره صادر نمود؛ زیرا حسین خان به پیرم نوشت که او به مأمورانش دستور خودداری از اخاذی و اجحاف به کلیسا را داده است (آرشیو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1e، اسناد: ۶۸۳، ۶۹۹).

چنین مکاتبات و ارتباطاتی برای دوره‌ای نسبتاً طولانی ادامه یافت، اما بدهی‌های کلیسا به چنان مقادیری رسیده بود که ناچار شد به راهکارهای دیگری متوسل شود. پیرم با کسب اجازه از سوی ایران، به منظور تهیه پول برای اچمیادزین با مسافرت به سرتاسر روسیه و امپراتوری عثمانی، تصمیم به نجات باقی‌مانده دارایی کلیسا گرفت (Bournoutian, 1992, pp: 83,84). او به گنجه رفت که اکنون در دست روسیه بود و در آنجا بود که تصمیم گرفت این موقعیت را به بهترین نحو ممکن حفظ نماید. اگر او در تبعید خودخواسته باقی می‌ماند اوضاع ممکن بود به همین شکل ادامه یابد؛ زیرا در حیات او هیچ فردی نمی‌توانست به کاتولیکوسی اچمیادزین انتخاب شود (آرشیو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1e، سند: ۶۹۸؛ آرشیو ماتناداران، پرونده نرسس آشتارکی، پوشه ۱۶۵، سند: ۳۲۰۷). در این میان فقدان کاتولیکوس سبب شد که روحانیون اچمیادزین منکر بدهی‌های کلیسا شوند؛ زیرا همه اسناد و معاملات بنام کاتولیکوس بود؛ و بنابراین همه طلبکاران مجبور بودند منتظر بازگشت او یا انتخاب یک کاتولیکوس دیگر شوند (Bournoutian, 1992, p:84).

روس‌ها به دلیل بی‌طرفی گذشته پیرم یا گرایش‌های طرفدار ایرانی وی به او اعتماد نداشتند. در ابتدا از او خواستند که گنجه را ترک کند؛ اما بعدها با اقامت او در صومعه حقیبات^۲ موافقت کردند. ممکن است که یرمولف^۳، به منظور هماهنگ ساختن مسائل ارمنی از طریق

۱. به نقل از Bournoutian, 1992, p:84

2. Haghbat

۳. Ermolov. سردار روس در قفقاز از سال ۱۸۱۷ تا ۱۸۲۷م.

نرسس، پیرم را وادار به اقامت در خارج از مرزهای حقبات کرده باشد. نرسس آشتاراکلی مقیم در تفلیس، اکنون سخنگوی غیررسمی کلیسای ارمنی شد. او نمی‌خواست که پیرم مانع نقشه‌های سیاسی‌اش برای ایجاد یک ارمنستان خودمختار و مستقل شود؛ بنابراین وی دست به تلاش زد و در این راستا به حکومت روسیه پیشنهاد تجاوز به قفقاز و نیز به ارامنه تحت فرمانروایی ایران، پیشنهاد رهایی و جدایی از پیرم را نمود. به این ترتیب نرسس وارد مسائل بسیار مهم سیاسی منطقه شد (Ibid, p:84).

۵. فعالیت‌های واگرایانه رهبران ارمنی و جدایی ایروان از ایران

در سال ۱۸۲۳ م (۱۲۳۸ ق) نرسس به منظور اثبات رهبری کلیسایی‌اش، به عباس میرزا و نیز به حسین خان نامه نوشت. او در این نامه خان و زبردستانش را متهم نمود که ارامنه را رها نموده‌اند و باعث ستم و آزار در حق کلیسا و ارامنه شده‌اند.^۱ پاسخ عباس میرزا به نامه نرسس که توسط نماینده نرسس به او تحویل داده شد، دفاعیات شاهزاده در برابر ادعاهای نرسس را نشان می‌دهد. این پاسخ خود گواه از آگاهی عباس میرزا به اهمیت مسئله از سویی و هوشیاری و تلاش‌های صادقانه او در جلوگیری از متمایل شدن رهبران ایروان به سمت روسیه و سیاست‌های آن در منطقه قفقاز، از سوی دیگر است.^۲

۱. این نامه جزو مجموعه اسناد آشتاراک است. همان‌گونه که قبلاً نیز در مواردی اشاره شده است نرسس در این نامه عباس میرزا را متهم می‌کند به این‌که او ارامنه و کلیسای اچمیادزین را در دست سرداران و خان‌هایش رها نموده است و آن‌ها نیز انواع آزار و اذیت و تحقیر و انواع بدهی را نسبت به آن‌ها اعمال داشتند. نرسس در این نامه به ذکر انواع آزارهای حسین‌قلی خان و سرداران او در اچمیادزین و قلمروهای ارمنی می‌پردازد و از عباس میرزا استدعا می‌کند به وضعیت اچمیادزین رسیدگی نماید و به این آزار و اذیت و ستم و رفتارهای غیرقانونی حکومت ایران در ایروان خاتمه دهد. رک: HASE, pp.:231-239.

2. *Matenadaran Archives, file 45 document 164, pp. 239-245.*

اصل این سند به ارمنی است. اسقف اعظم تاتو به نام مارتیروس در سال ۱۸۲۴ برای تسلیم نامه نرسس به حضور عباس میرزا در تبریز می‌رسد و در مقابل پاسخ شاهزاده را دریافت کرده و به نزد نرسس می‌برد. این سند حاوی گزارش نماینده نرسس از دیدار او با شاهزاده و پاسخ عباس میرزا به نامه نرسس است. این سند در «آرشیو ماتناداران، آرشیوهای کاتولیکوس، [ارمنستان، ایروان] موجود است. عباس میرزا هیچ‌گاه اعمال و اقدامات سرداران و خان‌های ایروان را مبنی بر آزار و اذیت ارامنه و کلیسای اچمیادزین تصویب ننمود. او همواره درصدد بهبود وضعیت ارامنه و کلیسا چه قبل از قرارداد گلستان و به‌ویژه پس از این قرارداد بود. چراکه ارامنه و کلیسای اچمیادزین و به‌ویژه نرسس آشتاراکلی را از پیوستن به روسیه مانع شود. این سند حکایت از این دارد که عباس میرزا در دیداری که با نماینده نرسس داشت، از او شکایت می‌کند در این‌که اگر آن‌ها از آزار و اذیت حاکمان و سرداران ایران در ایروان و اچمیادزین شکایت داشتند چرا شکایات و مطالبات خود را از طریق واردپت‌هایی که سالیانه به حضور او می‌رسند به اطلاع وی رسانده‌اند تا به آن‌ها رسیدگی شود. این سند به‌خوبی نشان می‌دهد که عباس میرزا در صدد جلوگیری از فشارهای وارده از سوی برخی از سرداران و حاکمان ایران نسبت به ارامنه، همچنین سرکوب و تنبیه مقصران، توقف فشارها، بهبود وضعیت ارامنه و کلیسای اچمیادزین بوده است.

شاهزاده و خان اکنون دریافته بودند که سیاست اشان منجر به بیگانه و منحرف کردن ارامنه بی‌طرف و ایجاد بیشتر اعمال فتنه‌جویانه‌ای شده است که توسط نرسس رهبری می‌شدند؛ بنابراین آن‌ها به پیروم نامه نوشتند و از او درخواست کردند که یا به اچمیادزین بازگردد و یا کناره‌گیری کند.

ایرانیان به منظور متقاعد کردن پیروم به صمیمیتشان، قول اصلاحات دادند و برای کاهش فشار و اعطای زمان اضافی برای پرداخت‌ها، دستوراتی به طلبکاران صادر کردند. حسین‌قلی خان سردار حتی به احتمال ربودن پیروم از صومعه حقیبات که نزدیک مرز ایروان بود، نیز اندیشید (Bournoutian, 1992, pp: 84,85). ایرانیان ادعا می‌کردند که پیروم برخلاف خواسته‌اش، در صومعه حقیبات نگاه داشته شده است.^۱

اگرچه سه سال بعد، آرامش نسبی برقرار بود و به دارایی‌های کلیسا تعرضی نشد؛ و همچنین برخی از ارامنه و ایرانیان سعی کردند از غیبت کاتولیکوس سوءاستفاده کنند و حتی تلاش کردند که کلیسای اچمیادزین را غصب کنند؛ ولی عباس میرزا چنین اقداماتی را خنثی نمود و به پشتیبانی خود از کلیسا ادامه داد و از آن محافظت کرد. در این میان عباس میرزا و حسین‌قلی خان سعی کردند نرسس را به سمت خود متمایل کنند و به او پیشنهاد مقام کاتولیکوسی را دادند. شرایط سیاسی میان ایران و روس در سال ۱۸۲۵م (۱۲۴۰ق) وخیم بود و ایرانیان همچنان به دوستی ارامنه یا حداقل بی‌طرفی رهبری ارمنی امید داشتند؛ به‌ویژه اگر نرسس، تحریک‌کننده اصلی تبلیغ ضدایرانی، تقلیس روسیه را ترک می‌کرد و در ایروان تحت کنترل ایران یا اچمیادزین ساکن می‌شد (Bournoutian, 1992, p: 85).^۲

۱. اسناد در این باره حاکی از این است که در دیداری که عباس میرزا با نماینده نرسس در سال ۱۸۲۴ در تبریز داشت از غیبت کاتولیکوس پیروم از اچمیادزین ناراحت بود و زبان به شکایت از این قضیه گشود. رک: *Matenadaran Archives*, document 164

۲. در این باره نک: آرشیو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی، پرونده ۴۹، پوشه ۱۵، اسناد: ۷۰۱، ۷۰۲، ۷۰۷، ۷۰۹، ۷۱۰، ۷۱۲، ۷۱۳. همچنین اسناد دیگری نشان می‌دهد که عباس میرزا درصدد جلب توجه نرسس و متمایل ساختن او و کاتولیکوس پیروم از نفوذ روسیه به دایره نفوذ ایران است و سعی می‌کند که نرسس آشپزخانه‌اش را از تقلیس به اچمیادزین بازگرداند. همچنین می‌خواهد که کاتولیکوس پیروم نیز از تبعید خودخواسته به اچمیادزین بازگردد و تحت نظارت ایران، اچمیادزین را اداره کند تا مگر از دخالت روسیه در آنجا جلوگیری نماید. عباس میرزا در این باره گفتگوهایی را با نماینده نرسس انجام می‌دهد و پیشنهاد همکاری با نرسس را مطرح می‌نماید. عباس میرزا حتی عنوان می‌کند که اگر کاتولیکوس پیروم خواستار بازگشت به اچمیادزین نیست، این مقام را نرسس عهده دار شود. نک: *Matenadaran Archive*, document 164

نرسس پاسخ داد که اگر ایران در بدهی کلیسا تخفیف قائل شود و سود وام‌های دریافتی کلیسا را کاهش دهد، و آن را به اقساط کوچک تقسیم نماید؛ و همچنین عباس میرزا و دولت ایران تنها او را مسئول و پاسخ‌گوی اصلی کلیسای اچمیادزین به رسمیت بشناسند و از او حمایت کنند^۱، ممکن است پیشنهاد عباس میرزا را قبول نماید.

اگرچه این اقدام نرسس به نظر می‌رسد با تمایلات ضدایرانی سابق او در تضاد بود، اما ممکن است که وی در مقاصد روسیه تردید کرده باشد؛ و بنابراین برای تضمین خیالاتش به ایجاد یک ارمنستان مستقل، تحت هدایت و راهنمایی کلیسا، نیازمند بود^۲. همچنین ممکن است که این اقدام عباس میرزا حکایت از اختلاف میان او و حسین‌قلی خان سردار داشته باشد؛ زیرا حسین خان آشکارا پیشنهادهای نرسس را نپذیرفت؛ و عباس میرزا به امید رها شدن از یک رقیب نظامی مهم و همچنین خویشاوند خود، از فتحعلی شاه خواستار قبول شرایط نرسس شد. از سوی دیگر شاه که تحت تأثیر حسین‌قلی خان سردار بود و در این باره گویا خواستار رنجاندن او نبود، موضوع پیشنهاد نرسس را موکول به عقب نشینی روسیه از مناطق شمس‌الدین و تالش و ایجاد سرحدات جدید نمود (Bournoutian, 1992, p: 85).

هجوم ایران به قلمروهای متصرفی روسیه در قفقاز جنوبی در سال ۱۸۲۶م (۱۲۴۱ق) هرگونه امید برای راه‌حلی صلح‌آمیز را از میان برد. در این میان هیچ‌کدام از طرفین ایران و روس خواستار گفتگو و مذاکره نبود. آغاز جنگ دوم ایران و روس در میان خصومت نرسس و خان ایروان، آرامنه را در منطقه به خطر انداخت. خان یا از ترس واکنش عمومی آرامنه علیه ایران یا برای ممانعت از همکاری آرامنه با روس‌ها و لذا کمک به روس‌ها از طریق تهیه تدارکات، دستور داد تا برخی از روستاییان ارمنی در قلعه ایروان بازداشت شوند. برادرش حسن که بسیار بیشتر از خان، آرامنه را مورد سرزنش و انتقاد قرار می‌داد، برخی را مجبور به رها کردن دهکده‌هایشان و فرار به خورویراپ در جنوب غربی ایروان کرد؛ و حتی به غارت

۱. درباره جواب نرسس به پیشنهاد عباس میرزا و شرایط درخواستی او از شاهزاده، به سند نرسس اشتراکی که حاوی نامه دوم او به عباس میرزا است که در همان تاریخ ۱۸۲۳ م نوشته شده است، نک: HASE, pp: 237-239.

۲. نرسس در نامه دوم که در همان تاریخ ۱۸۲۳ به عباس میرزا نوشته است لحنی کاملاً دوستانه و مسالمت‌آمیز دارد و از ابتدا تا انتها از عباس میرزا درخواست و استدعا می‌نماید. رک: HASE, pp: 237-239.

خرانه و ثروت‌های اچمیادزین اندیشید (Ibid, p:86). در این میان شایعاتی منتشر شد مبنی بر این که احتمالاً تمام جمعیت ارمنی به داخل مرزهای ایران حرکت داده شوند. این وضعیت هنگامی که واحدهای داوطلب گوناگون ارمنی به گرجستان، گنجه و قره‌باغ جهیدند، بدتر شد (Ibid, pp: 86). اگرچه درباره کمک یا مشارکت آرامنه با روس‌ها در این جنگ بسیار نوشته شده است، اما روی هم رفته آرامنه ایروان، فعالیت اندکی در این کشمکش به عهده داشتند. شاید به این دلیل باشد که رهبر غیردینی‌شان، ملیک ساهاک، بدون شک توسط پیوند و اتحاد نزدیکش با دربار ایران نفوذ داشت و به وسیله ازدواج دخترش با شاهزاده الکساندر گرجستان، دشمن بزرگ روس در قفقاز، یک هوادار روسی نبود (Ibid, pp: 86-87)؛ و نیز: آرشیو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1a، اسناد: ۶۸۰، ۶۸۲). به علاوه پیرم نه تنها فاقد خصوصیات فرماندهی بود، بلکه در اچمیادزین نیز نبود. او آرامنه ایروان را رها ساخته بود. از این گذشته حضور یک سپاه بزرگ ایران در ایروان، باعث دل‌سردی شکل‌گیری هرگونه واحدهای داوطلب ارمنی بود. اگرچه آرامنه بی‌شماری از قره‌باغ، گنجه و قسمت‌هایی از گرجستان، علیه ایرانیان به پا خاسته و به روشنی به روس‌ها کمک کردند؛ اما آرامنه ایروان از این قضیه پیروی نکردند. همچنین آرامنه ایروان اندک بودند و از سنت خودمختاری آرامنه قره‌باغ برخوردار نبودند. علاوه بر این، اگرچه اکثریت آرامنه به روسیه به عنوان متحدشان توجه داشتند، اما رفتار آرامنه در ایروان حاکی از طغیانی بزرگ علیه ایران نبود (Bournoutian, 1992, p: 87).

با همه این اوصاف وقوع جنگ دوم ایران و روس، باعث فعالیت و حضور مؤثر نرسس شد که به دنبال رؤیای دیرین خود بود که همانا ایجاد ارمنستان مستقل بود.^۱ او برای آزادی سرزمین مادری شروع به فراخواندن داوطلبان ارمنی کرد و برای این مسئله یک پرچم جدید ارمنی تدارک دید. این واحدهای داوطلب ارمنی توسط هاروتین علمداریان، گریگور منوچهریان و دیگران رهبری می‌شدند. آن‌ها به سپاه روس پیوستند (آرشیو ماتناداران،

۱. عباس میرزا به این تلاش‌های برخی از رهبران ارمنی برای استقلال ایروان و کلیسای اچمیادزین از حاکمیت ایران که باعث رخنه روس‌ها در آن مناطق می‌شد، کاملاً واقف بود. در این زمینه نک: Matenadaran Archives, document 164 و نیز نک: آرشیو ماتناداران، پرونده نرسس آشتراک، پرونده ۵۴، پوشه ۱۶۶، سند: ۱۹۰. به نقل از Bournoutian, 1992, p: 92.

مجموعه ارمنی، پوشه ۵۵، سند: ۱۹۷^۱.

اکثریت داوطلبان برای دفاع از دهکده‌هایشان باقی ماندند و فقط برخی مقابل ایروان رسیدند. در آنجا تعدادی کوچک از مردان برخی دهکده‌های ارمنی ایروان گرد آمده و تعدادی از مردم معمولی نیز در آنجا به آن‌ها پیوستند. به‌رحال ترکیب کلی این داوطلبان یا شبه سپاه ارمنی بیشتر از ۲,۰۰۰ تن نبود. (Bournoutian, 1992, p: 88)

برخی از مورخان حضور این واحدهای ارمنی را به‌عنوان طغیان تمام مردم ارمنی منطقه قفقاز علیه یوغ حاکمیت ایران تفسیر می‌نمایند. ولی واقعیت این است که داوطلبان ارمنی کمتر از یک درصد از کل جمعیت ارمنی قفقاز را در بر می‌گرفت؛ اما با این‌همه، داوطلبان ارمنی در نبردهای اطراف شوشی، اچمیادزین، آشتاراک و اوشاکان خوب جنگیدند و در برخی از برخوردها تأثیرات قابل‌توجهی بر جای نهادند. اگرچه در سرنوشت پایانی جنگ، نقش خاصی ایفا نمودند (Ibid, p:88).

نرسس به دنبال سپاه روس روان شد و قبل از پایان جنگ به اچمیادزین رسید. او توسط کلنل لازاروف - از قبیلۀ بانفوذ ارمنی در روسیه - و گریبایدوف - شاعر و دیپلمات روس - یاری می‌شد. پس از جنگ، این مردان، فرمانده پاسکویچ را به استفاده از هر وسیله‌ای برای تشویق ارامنه شمال ایران برای کوچ به ایروان، به امید افزایش جمعیت ارمنی در آن مناطق، برانگیختند^۲ (نک: آرشیو ماتناداران، مجموعه ارمنی، پوشه ۵۵، اسناد: ۲۳۳، ۲۴۶؛ آرشیو ماتناداران، پرونده لازاریان، پرونده ۸۸، پوشه ۱۰۲، بخش ۳، سند: ۲۱۰، پوشه ۱۰۴، بخش ۸، سند: ۱۱۱، پوشه ۱۰۵، بخش ۱۳، سند ۱۵۴، پوشه ۱۰۶، بخش ۱۴، اسناد: ۱، ۳۷، ۴۵، ۴۷، پوشه ۱۰۶، بخش ۵۱، اسناد: ۹۳، ۹۶، پوشه ۱۱۱، بخش ۳۶، سند: ۸۰؛ آرشیو ماتناداران،

۱. برای اطلاعات بیشتر درباره فعالیت نرسس در این دوره نک: آرشیو ماتناداران، پرونده نرسس آشتاراک، پرونده ۵۴، پوشه ۱۶۵، سند: ۳۶۸، پوشه ۱۶۶، اسناد: ۶۰۲-۶۰۵، ۶۰۹، ۶۴۸، ۸۲۲، ۸۶۸، ۸۸۹، ۹۰۱، پوشه 166a، سند: ۱۰۹۵. به نقل از کتاب Bournoutian, 1992, pp: 87, 88.

۲. این مهاجرت باعث افزایش جمعیت ارمنی در ایروان شد و تغییرات اقتصادی و سیاسی در منطقه را به دنبال آورد. اما عباس میرزا مدعی بود که اکثریت این مهاجران وادار به ترک آذربایجان به ایروان شدند. در واقع برخی از این ارامنه از زندگی تحت حمایت روس‌ها رضایت نداشته و لذا آن مناطق را ترک کرده و به ایران آمدند. بسیاری از این مراجعان از سوی عباس میرزا و جانشینان او استقبال می‌شدند. نک: آرشیو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1۵، سند: ۷۶۲.

پرونده یریتسیانتس، پرونده ۴۹۲، پوشه ۱۵۹، سند: 210g^۱.

نرسس برای خدماتش به روسیه پاداش گرفت و از آن دولت مدال دریافت نمود. یک سال پس از قرارداد ترکمانچای به مقام اسقف اعظم در بسارابی ترفیع یافت و سرانجام در سال ۱۸۴۳م (۱۲۵۹ق) به مقام کاتولیکوسی اچمیادزین دست یافت؛ و در همان حال به تلاش‌هایش برای کسب خودمختاری و استقلال یک دولت ارمنی ادامه داد. بر اثر تلاش‌های نرسس داوطلبان داخل و خارج ارمنستان برای ایجاد یک دولت مستقل ارمنی از پای ننشستند؛ تلاشی که تا زمانی که نرسس زنده بود محقق نشد مگر یک دوره بسیار کوتاه مدت که آن هم از میان رفت و تنها پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بود که عملی شد. نرسس و داوطلبان ارمنی موفق به تأسیس «ایالت ارمنی» و آن هم در داخل امپراتوری روسیه شدند؛ زیرا منطقه ایروان قسمتی از حکومت و اداره قفقاز جنوبی شد. حتی عنوان «ایالت ارمنی» هم پس از سال ۱۸۴۰م (۱۲۵۶ق) از میان رفت (نک: Bournoutian, 1992, pp: 89-91).

روس‌ها با قرارداد ترکمانچای در سال ۱۸۲۸م (۱۲۴۳ق) موفق شدند ایروان و نخجوان را نیز از کنترل ایران خارج کنند و تحت کنترل و نفوذ خود قرار دهند. تا سال ۱۸۳۱م (۱۲۴۶ق) ایروان تا حدودی مستقل باقی ماند و خواب و رؤیای نرسس و همفکرانش تا حدودی به وقوع پیوست. ولی در همان سال ایروان به قلمرو تزارها ضمیمه شد و در سال ۱۸۳۶م (۱۲۵۲ق) روس‌ها «آئین‌نامه»ی را تدوین نموده و آن را به کلیسای اچمیادزین نیز تحمیل نمودند. با این عمل کلیسای اچمیادزین تحت نفوذ و سیطره روسیه قرار گرفت. روس‌ها با این «دستورالعمل و مجموعه قوانین» تحمیلی به اچمیادزین، آنرا تحت کنترل خود درآورده و بر اعمال و اقدامات آن نظارت نمودند. روسیه با این «دستورالعمل» انتخاب کاتولیکوس را از اچمیادزین سلب نمود و از آن پس این امپراطور روسیه بود که کاتولیکوس اچمیادزین را برمی‌گزید نه اچمیادزین؛ به این ترتیب در واقع حقی که همواره در اختیار اچمیادزین بود از آن سلب شد.

روس‌ها حتی فراتر رفته و با گماردن جاسوس‌هایی در اچمیادزین، بر عملکردها و

۱. به نقل از: Bournoutian, 1992, pp: 88,89.

اقدامات آن نظارت نمودند. در واقع روسیه با این «آئین‌نامه» تحمیلی بر اچمیادزین، استقلال فکری و اندیشه اچمیادزین را از میان برد؛ کاری که ایرانیان هرگز با آن انجام نداده بودند و همواره استقلال کلیسای اچمیادزین را به رسمیت شناخته بودند. این عملکرد روس‌ها در اچمیادزین و این «دستورالعمل» تحمیلی آن‌ها بر آن تا انقلاب شوروی در سال ۱۹۱۷م (۱۳۳۵ق) ادامه داشت. نتیجه آنکه وضعیت کلیسای تحت سلطه روس‌ها بسیار بدتر از زمانی شد که تحت نفوذ ایرانیان قرار داشت. ولی جای شگفتی است که با همه این شرایط ناگوار، کلیسای اچمیادزین به‌عنوان کلیسای گریگوری، بر خلاف کلیسای گرجستان، موفق شد به‌عنوان مسئول مستقل و پاسخ‌گوی به تزار به رسمیت شناخته شود؛ و لذا استقلال مذهبی و دینی خود را حفظ نمود و از مستحیل شدن در کلیسای ارتدوکس روسیه در امان ماند (Polnoe, XI, No, 8970, pp:350-368, Bournoutian, 1992, pp: 90-92).

در ارزیابی نقش ارامنه و کلیسای اچمیادزین در ستیز میان ایران و روس، برخی از مورخان به‌طور قاطع به نقش ارامنه در جدایی قفقاز جنوبی از ایران تأکید دارند. اگرچه حقیقت دارد که از قرن هفدهم برخی از رهبران ارمنی ساکن در قفقاز جنوبی، رؤیای یک ارمنستان خودمختار و مستقل را داشتند و در جستجوی یاری قدرت‌های مختلف بودند؛ اما اکثریت ارامنه در انتظار استقرار مجدد یک دولت ارمنی نبودند و لذا در هیچ‌یک از فعالیت‌های «میهن‌پرستی» مشغول نشدند و این ارامنه برجسته ساکن در خارج از ایروان، در قره‌باغ، تفلیس، مسکو، هندوستان و حتی بسارابی بودند که نیروی محرکه تفکر ارمنستان مستقل و خودمختار به شمار می‌رفتند (آرشیو ماتناداران، پرونده نرسس آشتاراک، پرونده ۵۴، پوشه ۱۶۶، سند: ۱۹۰؛ Bournoutian, 1992, pp: 91-92)؛ ولی در این میان نمی‌توان نقش نرسس آشتاراک و هم‌فکران او که در فکر ایجاد ارمنستان مستقل و خودمختار بودند و باعث جدایی ایروان از ایران و الحاق آن به روسیه شدند را نادیده گرفت.

1. Polnoe sobranie rossiiskoi imperii, XI no. 8970 cited in Bournoutian, George, *Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889: A Documentary Record*. Costa Mesa, CA. Mazda Press, 1998, pp. 47-53, 350-368.

اصل این سند به روسی و مربوط به سال ۱۸۳۶م است. درباره آئین‌نامه‌ای است که شامل ۱۰ فصل و ۱۴۱ ماده است که به مجلس سنا تقدیم و در ۱۰ آوریل ۱۸۳۶ تبدیل به قانون شد. این سند تحت عنوان: «مجموعه کامل قوانین امپراتوری روسیه، سری اول تا دوم، مسکو و سنت پترزبورگ، ۱۸۳۰-۱۸۸۵، یازده، [شماره ۸۹۷۰] صص ۱۹۴-۲۰۹» موجود است.

نتیجه‌گیری

در بررسی و تحلیل مناسبات عباس میرزا با کلیسای اچمیادزین و رهبران آن عوامل متعددی را باید در نظر گرفت. از سویی عباس میرزا برای جلوگیری از متمایل شدن ایروان و به‌ویژه اچمیادزین به روس‌ها در صدد تحکیم مناسبات با آن‌ها برآمد تا شاید از آن راه مانع جدایی ایروان از ایران شود. از سویی رفتارهای سخت‌گیرانه و تحمیلات مالی و بی‌سیاستی‌های برخی از حاکمان و سرداران ایران در ایروان، مانند حسین‌قلی خان سردار و برادرش حسن خان، نسبت به آرامنه ایروان و سایر آرامنه منطقه قفقاز، باعث خنثی شدن اقدامات عباس میرزا شد. اگرچه عمدتاً گرایشها و توجهات روس‌های مسیحی در منطقه قفقاز حائز اهمیت بود، اما ارتباط و دلبستگی قاطبه جمعیت ارمنی ایروان، به دنبال سامان اقتصادی و بهبود شرایط مالی مردم ارمنی بود و کمتر به دنبال تظاهرات و جریان‌های سیاسی موجود در مناطق قره‌باغ، گنجه و گرجستان وارد شدند؛ و اتفاقاً کلیسای اچمیادزین نیز در این راه هدایت مردم ارمنی خود را به عهده داشت. تا زمانی که شرایط عمومی مردم در ایروان مساعد بود، اکثریت جمعیت ارمنی و رهبران آن به وضعیت آرامش و صلح آمیز و غیرسیاسی آن رضایت داشتند؛ اما از زمانی که وضعیت اقتصادی ایروان به هم خورد و ارتباط منطقی موجود میان دولت ایران و ایروان بر اثر عوامل متعددی از میان رفت و ضعف مناسبات میان آن‌ها پدیدار شد، آرامنه ایروان به وعده‌های روسی برای خارج شدن از این وضعیت نامساعد، فریفته شدند و به دنبال واحدهای مختلف روسی برای نبرد با ایران رهسپار شدند. شرایط بسیار وخیم‌تر از آن شده بود که عباس میرزای ولیعهد با تمام تلاش‌هایی که در این راه بکار برد، بتواند از عهده تدارک آن برآید.

در این باره می‌باید نقش رهبران ارمنی و به‌ویژه نرسس آشتاراک را نیز در نظر گرفت. اسناد و مدارک بسیاری حاکی از این است که در همان حال که عباس میرزای ولیعهد به خوبی از مقاصد و نیات واگرایانه نرسس آگاه بود و از آن رو درصدد خنثی نمودن آن‌ها بود، ولی نرسس نیز با کمک روس‌ها در جدایی ایروان از حاکمیت ایران از هیچ تلاشی فروگذار نمود، تلاشی که به مقاصد روس‌ها در پابان جنگ‌های دوم ایران و روس و جدایی ایروان از ایران ختم شد

منابع

الف) فارسی

– کتاب‌ها

- قاضیها، فاطمه (۱۳۸۱)، *اسناد روابط ایران و روسیه در دوره فتحعلی شاه و محمد شاه قاجار*، چاپ اول، تهران، وزارت امور خارجه.
- مقتون دنبلی، عبدالرزاق (۱۳۸۳)، *مآثر سلطانیه*، تصحیح و تحشیه غلامحسین زرگری نژاد، چاپ اول، تهران، مؤسسه انتشاراتی روزنامه ایران.
- میرزا فضل الله شیرازی متخلص به خاوری (۱۳۸۰)، *تاریخ ذوالقرنین*، ج اول، به تصحیح و تحقیق ناصرافشار فر، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
- نصیری، محمدرضا (۱۳۶۶)، *اسناد و مکاتبات تاریخی ایران*، ج اول، تهران، کیهان.
- هدایت، رضاقلی خان (۱۳۳۹)، *روضه الصغای ناصری*، ج ۹، تهران، کتابفروشی مرکزی.

– مقاله‌ها

- آهنگران، امیر، «واکاوی علل ناکامی فتحعلی شاه قاجار در جنگ‌های ایران و روس (نبردهای قفقازیه)»، *مجله تاریخ روابط خارجی*، زمستان ۱۳۸۸، شماره ۴۱، صص ۱۰۱-۱۳۲.
- امیر احمدیان، بهرام، «جنگ‌های ایران و روسیه و جدایی قفقاز از ایران»، *مجله مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز*، تابستان ۱۳۸۳، شماره ۴۶، صص ۱۵۱-۱۸۴.
- باتوف، اسچر، «مقدمات جنگ دوم ایران و روسیه»، ترجمه محمود کی، *مجله بررسی‌های تاریخی*، خرداد و تیر ۱۳۵۳، شماره ۵۱، صص ۴۷-۹۴.
- حیدری، اصغر، «آتش در آذربایجان، جنگ‌های ایران و روس، وضع آذربایجان و علل شکست ایران»، *مجله تاریخ معاصر ایران*، پاییز ۱۳۸۸، شماره ۵۱، صص ۱۴۵-۱۶۶.
- دهقان نژاد، مرتضی؛ محمود آبادی، علی اصغر؛ آقازاده، جعفر، «واکاوی آغاز دوره دوم جنگ‌های ایران و روسیه»، *مجله مطالعات تاریخ اسلام*، پاییز ۱۳۹۰، شماره ۱۰، صص ۳۷-۵۶.

- ریاحی، محمدمین، «نامه عباس میرزا به شیخعلی خان بیگلربیگی قبه و دربند»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، مرداد و شهریور ۱۳۵۳، شماره ۵۲، صص ۱۰۹-۱۲۲.
- زرگری نژاد، غلامحسین، «موافقت نامه گلستان: قرارداد متارکه جنگ یا عهد نامه قطعی (!؟)»، *مجله مطالعات تاریخ اسلام*، بهار ۱۳۹۰، شماره ۸، صص ۱۰۲-۷۷.
- زیویار، فرهاد، «نکاتی چند پیرامون منبع شناسی و جریان شناسی فرهنگی - تاریخی جنگ‌های ایران و روس»، *مجله فرهنگ*، پاییز و زمستان ۱۳۷۷، شماره ۲۷ و ۲۸، صص ۱۶۱-۱۸۶.
- هویدا، رحیم، «رودخانه ارس و رویدادهای تاریخی اطراف آن»، *مجله بررسی‌های تاریخی*، فروردین، اردیبهشت ۱۳۵۰، شماره ۳۶ (صص ۱۷۹-۱۹۶)، آذر و دی ۱۳۵۰؛ شماره ۲، سال ششم، صص ۱-۲۰.

ب) لاتین

- کتاب‌ها

- Bournoutian, George, (1992), *The Khanate of Erevan under Qajar Rule, 1795-1828*. New York, Columbia University Persian Series.
- Bournoutian, George, (2001), *Armenians and Russia 1626-1796*, A Documentary Record, California, Mazda.
- Crete, Abraham, (1999), *The Chronicle of Abraham of crete*, Annotated translation from the Critical Text with an introduction and Commentary by George Bournoutian, California, Mazda.
- Simeon Erevantsi. 19- Erevan Simeon, (2009), *Jamber*, Introduction and Annotated Translation by George Bournoutian, California, Costa Mesa.

- مقاله‌ها

- Orouji, Fatemeh, (2013), "Nader Shah's Cooperation with Armenians", *Journal of the Society for Armenian Studies*, Volume 22, California, State University Fresno, pp: 253-262.

ج) اسناد

- آرشیو ماتناداران، اسناد فارسی، مجموعه ایرانی، پرونده ۲۹، پوشه 1a، پوشه 1d.
 - آرشیو ماتناداران، مجموعه ارمنی، پوشه ۵۵، پوشه ۵۸.
 - آرشیو ماتناداران، پرونده نرسس آشتاراک، پرونده ۵۴، پوشه ۱۶۵، پوشه ۱۶۶، پوشه 166a.
 - آرشیو ماتناداران، پرونده لازاریان، پرونده ۸۸، پوشه ۱۰۲، بخش ۳، پوشه ۱۰۴، بخش ۸، پوشه ۱۰۵، بخش ۱۳، پوشه ۱۰۶، بخش ۱۴، بخش ۱۵، پوشه ۱۹۶، بخش ۵۱، پوشه ۱۱۱، بخش ۳۶.
 - آرشیو ماتناداران، پرونده یریتسیاتنس، پرونده ۴۹۲، پوشه ۱۵۹.
 - آرشیو ماتناداران، اسناد فارسی، ج ۴ (۱۷۳۴-۱۷۹۷)، ایروان، به کوشش دکتر کاستی کیان، ۲۰۰۸ م.
 - *Akty sobrannye Kavkazskoiu Arkkheograficheskoiu Kommissiei* (مدارک رسمی والی امپراطور روسیه در قفقاز) Tiflis, 1866, I, document 657, cited in Bournoutian, George, *Russia and the Armenians of Transcaucasia, 1797-1889: A Documentary Record*. Costa Mesa, CA. Mazda Press, 1998, pp. 47-53.
- اصل این سند روسی است. گزارشی است از وزارت امور خارجه روسیه در تفلیس به دولت روسیه درباره وضعیت داخلی قسمت‌های شرقی ترکیه، ایروان، نخجوان، خوی، گنجه، قراباغ و اوضاع داخلی ایران. این سند جزو «اسناد حکومت روسی قفقاز: اقدامات هیئت باستان‌شناسی قفقاز، ۱۲ جلد (تفلیس، ۱۸۶۶-۱۹۰۴)، ج اول، سند شماره ۳۵، صص ۱۱۱-۱۲۴، همچنین در تقویم کاوولاسکی ۱۸۶۴ (تفلیس، ۱۸۶۳) صص ۱۸۳-۲۱۲» قرار دارد.
- *HASE, Hamarotut' iwn ants' itsKristosakert Mary Ar'oroy Hayots' surb Ejmiatsni (A Short Documentary Account of Holy Etchmiadzin, Mother Church of the Armenians, as recorded by cotholicos Nerses of Ashtarak), Thilis, 1853, cited in Bournoutian, Ibid, pp. 231-239*
- اصل این سند به زبان ارمنی بوده و از اسناد کتاب «تاریخ مختصر آستانه مقدس ارامنه، اچمیادزین» به قلم کاتولیکوس نرسس آشتاراک، چاپ تفلیس، ۱۸۵۳ م است. نامه‌ای است

که نرسس آشتاراکلی اسقف کلیسای اچمیادزین در سال ۱۸۲۳ به عباس میرزا نوشته است.

- *Matenadaran Archives*, file 45 document 164, cited in Bournoutian, Ibid, pp. 239-245.

اصل این سند به ارمنی است. اسقف اعظم تاتئو به نام مارتیروس در سال ۱۸۲۴ برای تسلیم نامه نرسس به حضور عباس میرزا در تبریز رسید؛ و در مقابل پاسخ شاهزاده را دریافت کرد و به نزد نرسس برد. این سند حاوی گزارش نماینده نرسس از دیدار او با شاهزاده و پاسخ عباس میرزا به نامه نرسس است. این سند در «آرشیو ماتناداران، آرشیوهای کاتولیکوس، [ارمنستان، ایروان]» موجود است.

- *Polnoe sobranie rossiiskoi imperii*, XI no. 8970 cited in Bournoutian, Ibid, pp. 350-368.

اصل این سند به روسی است و مربوط به سال ۱۸۳۶م است. درباره آئین‌نامه‌ای است که شامل ۱۰ فصل و ۱۴۱ ماده است که به مجلس سنا تقدیم و در ۱۰ آوریل سال ۱۸۳۶ تبدیل به قانون گردید. این سند تحت عنوان: «مجموعه کامل قوانین امپراتوری روسیه، سری اول تا دوم، مسکو و سنت پترزبورگ، ۱۸۳۰-۱۸۸۵، یازدهم، [شماره ۱۹۷۰] صص ۱۹۴-۲۰۹» موجود است.